

# گرامیداشت سیالروز فتح خرمشهر (کنگاش در گفتمان رسانه‌ای جنگ)

رضامؤمن زاده

به بسیاری از مسایل جنگ وجود دارد، کمک نماید. عدم صراحت و شفافیت در طرح مسایل جنگ موجب شده است تا ابهامات و پرسش‌های زیادی برای نسل فعلی و آینده شکل گیرد.

به طور کلی، بازتاب رسانه‌ای سالروز آزادسازی خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۸۶ در هفت محور ذیل قابل توجه است:

## ۱- دلایل فتح خرمشهر

یکی از عمده‌ترین نگرانی‌های مطرح شده در مورد فتح خرمشهر را می‌توان "پرهیز از انحصارطلبی" گروه یا نهادی خاص در به ثمر رساندن عملیات بیت المقدس که نتیجه آن آزادسازی خرمشهر بود، عنوان کرد.

سردار فتح الله جعفری رئیس سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه پاسداران در این خصوص می‌گوید: "برخی‌ها به اشتباه به دنبال فاتح خرمشهر می‌گردند در حالی که فاتح خرمشهر ۷۰ هزار بسیجی داوطلب بودند که با ایمان و اعتقاد خود، دشمن را زمین گیر کردند." (روزنامه دنیای اقتصاد - ۱۳۸۶/۳/۳)

ایشان به دلیل حساسیت موضوع در مصاحبه‌ای دیگر که به طور همزمان توسط روزنامه کیهان به چاپ رسید می‌گوید: "موضوع خرمشهر موضوعی نیست که کسی بتواند در مورد آن مدعی شود؛ ما تنها در مورد خرمشهر می‌توانیم بگوییم امام (ره) و مردم! هیچ کس جزء امام (ره) و مردم نمی‌توانند مدعی این پیروزی باشند." امیرمسعود بختیاری از فرماندهان ارتش در دوران جنگ هم در این خصوص این گونه می‌گوید: "خرمشهر با کمک تمام مردم ایران آزاد شد و تمام کسانی که به نحوی یکی از افراد خانواده‌اش در جنگ بودند، در آزادسازی خرمشهر نقش داشتند و هیچ کس و هیچ گردانی و هیچ نفری نباید بگوید من نقش داشتم، بلکه در اینجا باید گفت ما." ایشان در یک مصاحبه دیگر تأکید می‌کند: "این جمله حضرت امام (ره) که خدا خرمشهر را آزاد کرد، بسیار زیباست. در آزادسازی خرمشهر نباید میراث‌خواری کنیم که من در

**اشاره:** همه ساله در آستانه گرامیداشت سالروز فتح خرمشهر (سوم خردادماه)، مسایل جنگ ایران و عراق در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و اقتصادی مورد توجه مسئولین و کارشناسان قرار می‌گیرد و این موضوع در یک دوره زمانی کوتاه (حداکثر ۳ تا ۴ روز) در سطح رسانه‌های کشور منعکس می‌شود.

بنابراین سالروز فتح خرمشهر از این جهت حائز اهمیت ویژه‌ای است؛ چرا که فرصتی فراهم می‌سازد تا مسئولین، فرماندهان، کارشناسان و نویسندگان این حوزه، دیدگاه‌ها و نظریات خود را طرح نمایند. مجموعه این نظریات که از ابعاد و رویکردهای مختلفی برخوردارند، باعث ایجاد فضای خاصی بر "گفتمان جنگ" در هر سال می‌شود؛ به خصوص اینکه مسایل مختلفی بر پایه این بخش از تاریخ حیات سیاسی و اجتماعی ملت ایران مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

بدین ترتیب، در این فرصت کوتاه طیف وسیعی از مسایل و موضوعات جنگ ایران و عراق به سرعت در سطح رسانه‌ها منعکس می‌گردد که اگر هر کدام از این موضوعات بخواهد به شکل ویژه بررسی شود، نیازمند صرف زمان و کارشناسی زیادی است. با این وجود این مسأله از عمق مطالب و موضوعات مطروحه نکاسته و دقت در آراء و نظریات مطرح شده، بیانگر عمق معنی و مفهومی این موضوعات است.

با عنایت به مباحث فوق، در این شماره از "فصلنامه تخصصی جنگ ایران و عراق؛ نگین ایران" به سیاق شماره‌های قبلی بازتاب رسانه‌ای گرامیداشت سالروز آزادسازی خرمشهر در سوم خردادماه ۱۳۸۶ و پس از گذشت ربع قرن مورد توجه قرار می‌گیرد.

یادآوری این نکته ضروری است که بررسی بازتاب رسانه‌ای این حادثه مهم را از آن جهت در سیر مطالعاتی گفتمان جنگ ایران و عراق مهم ارزیابی می‌نماییم که انعکاس صحیح واقعیت‌های جنگ تا حدود بسیار زیادی می‌تواند به رفع شبهات، ابهامات و پرسش‌های اساسی و فرعی که نسبت

بررسی بازتاب رسانه‌ای این حادثه مهم را از آن جهت در سیر مطالعاتی گفتمان جنگ ایران و عراق مهم ارزیابی می‌نماییم که انعکاس صحیح واقعیت‌های جنگ تا حدود بسیار زیادی می‌تواند به رفع شبهات، ابهامات و پرسش‌های اساسی و فرعی که نسبت به بسیاری از مسایل جنگ وجود دارد، کمک نماید.

بیش از همه مورد توجه قرار گرفته است، اشاره به نقش و تأثیر مهم تأسیس قرارگاه مشترک توسط ارتش و سپاه است که به زعم همه فرماندهان و مسئولین دوران جنگ، از بروز هرگونه شکاف ساختاری و ادراکی در میان نیروهای نظامی کشور جلوگیری کرد. به عنوان مثال، سردار حسین علایی از فرماندهان دوران دفاع مقدس می‌گوید: "تا زمان آزادسازی خرمشهر، علیرغم شرایط و مشکلات سیاسی، اختلافی میان مسئولان وجود نداشت. همه مسئولان هم‌دل بودند و معتقد بودند باید با دشمن جنگید تا او را از خاک کشور بیرون راند." (ایلنا- ۱۳۸۶/۲/۳۱)

#### ۲- خرمشهر را خدا آزاد کرد.

تعبیر فوق که در زمان فتح خرمشهر از سوی امام خمینی (ره) عنوان شد، شاید عمومی‌ترین مفهومی است که در اظهارات و بیانات بسیاری از مسئولین مطرح می‌شود. اما این پرسش مطرح است که آیا درک و فهم درستی از این عبارت کلیدی امام (ره) به جامعه و افکار عمومی منتقل شده است؟ دلیل طرح پرسش فوق را شاید بتوان در این جملات که در روزنامه شرق (۱۳۸۶/۳/۳) به چاپ رسیده است یافت: "وقتی برای جوانان در سن و سال من از خرمشهر صحبت می‌کنی، اولین جمله‌ای که به خاطر می‌آوریم این فرمایش حضرت امام خمینی (ره) است که خرمشهر را خدا آزاد کرد، ولی این سؤال را همیشه بدون پاسخ رها کرده‌اند که سر این جمله چه بوده است؟"

محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران در دوران جنگ، در تحلیل این تعبیر حضرت امام (ره) می‌گوید: "فکر می‌کنم مهم‌ترین امداد الهی در این جنگ و به خصوص فتح خرمشهر، نوآوری و تدابیری بود که به ذهن فرماندهان ما وارد شد. بدین

آزادسازی خرمشهر نقش داشتیم و شما نداشتید." (خبرگزاری فارس- ۱۳۸۶/۳/۳)

بدون شک هشدارهای فوق ناشی از برداشت‌های ذهنی و ادراکی است که طی سال‌های اخیر در مورد نقش متفاوت نیروهای مسلح کشور و وجود برخی واقعیت‌ها در مورد شکاف‌های ساختاری به ویژه میان ارتش و سپاه در سال‌های اول جنگ وجود داشته است.

سردار غلامعلی رشید از فرماندهان عالی جنگ در این خصوص معتقد است: "باید قبول کنیم که در سال دوم جنگ، تحولی اتفاق افتاد که روند غیرقابل قبول سال اول جنگ را تغییر داد. برخی هنوز نمی‌توانند درک کنند که این پیروزی‌ها در سال دوم جنگ به ویژه در فتح خرمشهر، دلایل خاص خود را داشته است. باید گفت که تفکر خلاق و خلاقیت باعث تولید استراتژی برتر و دکترین جدیدی شد که توانست با ابتکار عمل از ترکیب جدید نیروها استفاده کند. ایشان با بیان اینکه با این دکترین (به لحاظ طراحی، اجرا و تاکتیک)، ارتش عراق در ابعاد استراتژیک دچار غافل‌گیری شد و نتوانست این تحول و تفکر و استراتژی برتر را درک کند، افزود "ما نباید گرفتار مناقشه بر سر نقش نیروها شویم." (خبرگزاری فارس ۲/۱۳۸۶/۳/۱)

سردار رشید در یک مصاحبه دیگر و به منظور تبیین نظریه خود این گونه می‌گوید: "استراتژی جنگی ایران در سال اول دارای ضعف‌های اساسی شامل: ۱- فقدان اطلاعات دقیق از دشمن، ۲- عمده بهره‌گیری از همه منابع داخلی و ۳- فقدان استراتژی منطبق با واقعیات بود.

با مشاهده بسیاری از مصاحبه‌ها و نوشته‌ها و فرماندهان جنگ (سپاه و ارتش) نظریه فوق به زبان‌های مختلف مورد تأیید قرار گرفته است، چنان‌که عوامل برترساز ایران در عملیات بیت‌المقدس از دیدگاه آنان عبارتست از: نوآوری و ابتکار، تدبیر و شهادت‌طلبی، مردمی کردن جنگ و انتخاب میدان‌های نبرد و تحمیل جنگ به ارتش عراق در آن میدان‌ها.

بنابراین اگرچه ارزیابی فوق نیازمند تبیین و توسعه مفهومی است، اما به نظر می‌رسد در میان سایر اظهارات و نوشته‌ها در این خصوص، از جنبه تحلیلی بالایی برخوردار است.

نکته بسیار مهمی که در ذیل محور "دلایل فتح خرمشهر"

ترتیب به نظر می‌رسد محسن رضایی در صدد است ضمن تأکید بر نقش "ایمان" به عنوان عامل مهم در پیروزی رزمندگان ایران، جایگاه تدبیر و اندیشه را در راستای آن یادآوری نماید. این تغییر بیانگر آن است که جنگ به عنوان یک پدیده سیاسی و اجتماعی مبتنی بر مبانی عقلانی روی می‌دهد و برای مواجهه با آن باید کاملاً عقلانی اندیشید.

سردار حسین علایی نیز در نوشته‌ای با عنوان "فاتحان خرمشهر از کدام طبقه بودند؟" ضمن اشاره به نقش انسان و برخی ویژگی‌های آن مانند "برنامه‌ریزی دقیق و انتخاب تاکتیک هوشمندانه" در تلاش است تا تفسیر دقیقی از تعبیر حضرت امام (ره) به دست دهد: "مسلم است که این پیروزی اعجاب‌انگیز و افتخارآفرین، فقط در سایه روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت‌طلبی رزمندگان عزیز اسلام، که در مکتب امام خمینی (ره) به طور مرتب خود را از وابستگی‌های دنیایی‌های رهایی بخشیدند، اتفاق افتاد و رمز حماسه بزرگ خاندان و جاودان فتح خرمشهر را فقط باید در این مقوله جست و جو کرد. البته نایستی از کنار برنامه‌ریزی دقیق و انتخاب تاکتیک هوشمندانه این عملیات که عبور عمده قوا از رودخانه کارون به عنوان تلاش اصلی عملیات طرح ریزی شده بود، گذشت. "سردار فتح‌الله جعفری نیز در مورد طرح ریزی این عملیات می‌گوید: "جلسات بحث پیرامون شناسایی و طرح ریزی برای این عملیات در قرارگاه کربلا تشکیل شد و در طول یک ماه جلسه، خط‌دهای سپاه و ارتش مشخص و هر یگانی موظف شد روی طرح خودش کار کند و بالاخره بعد از ۲۰ روز طرح شهید حسن باقری که عبور از رودخانه کارون بود، تصویب شد. (روزنامه ایران - ویژه‌نامه فتح خرمشهر - ۱۳۸۶/۳/۳)

محسن رضایی در یک مصاحبه دیگر با استفاده از عبارت "تدبیر و شهادت‌طلبی" در صدد تبیین این موضوع برآمده است. "واقعیات آن است که تدبیر و شهادت‌طلبی، درست دوروی یک سکو هستند. یعنی ما با همه وجود می‌فهمیم که دل و قلب باید با عقل آنها پایه‌پای هم کار کنند، هر کدام از آنها کار نکنند، موفق نخواهیم نشد... عملیات خرمشهر، تلفیقی از عقل و دل با یکدیگر بود." (بازتاب - ۱۳۸۶/۳/۳)

البته سردار رشید نیز در تفسیر این مسأله از جنبه دیگری وارد می‌شود: "ماهیت پیروزی تاریخی خرمشهر به ما اثبات می‌کند که یک تفکر الهی شکل گرفت که این تفکر خلاق

الهی، ترکیب جدید نیروها را شکل داد. هنگامی که حضرت امام (ره) فرمود، خرمشهر را خدا آزاد کرد می‌خواست این کلام خداوند را برای ما بیان کند که فرمود "و ما رمیت اذرمیت ولكن الله رمی" چرا که رعب عجیبی در دل دشمن افتاده بود و به شدت مرعوب شده بود که حضرت امام (ره) هم به این نکته اشاره فرمودند.

### ۳- پیامدهای فتح خرمشهر

به اعتراف همه مسئولان جنگ، عملیات بیت المقدس و فتح خرمشهر نقطه عطفی در تعیین سرنوشت نهایی جنگ ایران و عراق می‌باشد. پیامدهای این حادثه از دو بعد سیاسی و نظامی مورد توجه فرماندهان و کارشناسان قرار گرفته است. با این وجود پرسش عمده‌ای که همواره مطرح بوده است اینکه آیا ایران توانست پس از این پیروزی بزرگ، ابتکار عمل در جنگ را به دست گیرد؟ پرسشی که هر گونه پاسخ به آن، خواننده را به سمت این پرسش اساسی جنگ می‌برد که "دلیل ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر چه بود؟"

محسن رضایی آزادسازی خرمشهر را پایان حمله عراق به ایران عنوان می‌کند. به تعبیر ایشان، "ایران و عراق پس از این حادثه، وارد مرحله جدیدی از جنگ شدند. البته عراق که در فتح خرمشهر شکست سنگینی را متحمل شد، حاضر به قبول صلح با ایران هم نشد، بنابراین از این پس جنگ جدیدی را آغاز کرد که تحت هیچ شرایطی مجبور به دادن امتیاز به ایران نشد." (خبرگزاری مهر - ۱۳۸۶/۳/۵)

محسن رضایی در ادامه این اظهارات بیان می‌کند: "می‌توان گفت بعد از فتح خرمشهر، در حقیقت یک مشاور فکری و استراتژیک جهانی به صدام داده شد. وقتی خرمشهر آزاد شد، دنیا دچار وحشت از ایران شد و احساس کردند منطقه خاورمیانه در خطر است. کسینجر رسماً اعلام کرد که با آزادسازی خرمشهر منطقه به خطر افتاد. لذا قبل از اینکه به فکر باشند چه نوع سلاحی به صدام بدهند در بعد اطلاعاتی و جاسوسی و هم از بعد مشاوره، تعدادی زیاد از ژنرال‌های منطقه از مصر، همچنین امریکا و فرانسه و بعد هم روسیه به کمک صدام آمدند و تلاش کردند تاکتیک‌های ایران را خنثی کنند."

سردار رشید نیز در مورد تأثیر فتح خرمشهر بر تغییر معادلات معتقد است، این تأثیر ناشی از دو ملاحظه کلی است: "یکی پیوستگی جنگ و انقلاب و دوم تأثیر پیروزی نظامی ایران

و عراق و سقوط احتمالی صدام. در مورد تغییر معادلات در سطح منطقه در واقع با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد. تحمیل جنگ بر ایران برای مهار پیامد انقلاب اسلامی و حفظ وضع موجود و اعاده نظم پیشین بود. دو سطح معادله در منطقه وجود داشت که با پیروزی ایران در فتح خرمشهر در معرض تهدید قرار گرفت. یکی معادله خلیج فارس که برتری ایران بر عراق بر نفت و تجارت و موقعیت امریکا اثر می گذاشت و در نتیجه، نوعی اجماع جهانی برای حفظ صدام شکل گرفت و دیگری معادله خاورمیانه، که اسراییل با حمله به لبنان و تصرف جنوب لبنان تا بیروت، مترصد فرصت بود تا اوضاع را به سود خود تغییر دهد. (اعتماد ملی- ۳/ ۳- ۱۳۸۶)

#### ۴- تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر

بررسی نظرات دیدگاه‌های مطرح شده درخصوص تداوم جنگ بعد از فتح خرمشهر در این دوره بیانگر آن است که برخی پرسش‌ها در مورد جنگ ایران و عراق تنها متأثر از شرایط سیاسی و اجتماعی کشور پرنرنگ تر می شوند؛ به همین دلیل در این مقطع زمانی کمتر از هر دوره دیگری به این پرسش اساسی جنگ پرداخته شد. این نتیجه گیری بدین معنی است که البته در چنین شرایطی نباید از توجه و پاسخگویی به این گونه پرسش‌ها غافل شد و با پاسخ‌های مستدل و منطقی از خدشه دار شدن دستاوردهای جنگ و طرح مسایل انحرافی جلوگیری کرد.

شاید یکی از قابل توجه ترین و تنهاترین نظریه مطرح شده در مورد این پرسش اساسی جنگ، اظهارات محسن رضایی به عنوان فرمانده سپاه در دوران جنگ تحمیلی است که به شکل ویژه‌ای از سوی رسانه‌ها طی چند سال اخیر مورد توجه قرار گرفته است. ایشان ابتدا در مورد علت تمایل ایران به ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر می گوید: "وقتی خرمشهر آزاد شد، تحول بزرگی در جنگ به وجود آمد، اما آنها زیر بار پایان جنگ نرفتند به همین دلیل پیشنهاد صلح به ایران ندادند. آتش بس یعنی جنگ نیمه تمام. وقتی طرف مقابل می گوید آتش بس، یعنی به دنبال صلح نیست، بلکه به دنبال گرفتن زمان است. ضمناً بعد از آزادی خرمشهر حدود هزار کیلومتر دیگر از سرزمین‌های ایران همچنان در دست عراق بود."

این ایده رضایی تقریباً از سوی همه فرماندهان و کارشناسان نظامی و مسئولین سیاسی وقت در دوران جنگ مورد تأیید است. لیکن تفاوت دیدگاه محسن رضایی با سایرین

در این است که پرسش فرعی دیگری از درون پرسش فوق استخراج می کند بدین معنی که "چرا پس از فتح خرمشهر، جنگ شش سال طول کشید؟" ایشان این پرسش را مشروع می داند و در پاسخ به آن معتقد است: "دلیل اینکه ۶ سال طول کشید، این بود که ایران خودش را بیشتر از یک عملیات آماده نمی کرد و نمی خواست گام بلندی در جنگ برنامه ریزی کند." ایشان در توضیح بیشتر این پاسخ می گوید: "یکی از دلایل همین نوع نگاه مسئولین سیاسی بود. در ذهن مسئولین سیاسی این بود که نباید خودمان را برای جنگ‌های مستمر بزرگ آماده کنیم. چون معلوم نیست چه اتفاقی بیفتد و ثانیاً خوشبین بودند که با انجام یک عملیات، دنیا صدام را وادار به صلح خواهد کرد. لذا جنگ همه جانبه را به مصلحت کشور نمی دانستند. از طرف دیگر، معتقد بودند که اقتصاد کشور هم ظرفیت پشتیبانی از یک جنگ تمام عیار را ندارد. حتی برخی از دوستان می گفتند ممکن است امریکا از بمب اتم استفاده کند، لذا می گفتند بیشتر از یک عملیات برنامه ریزی نکنید." (خبرگزاری مهر- ۵/ ۳- ۱۳۸۶)

سردار حسین سلامی از فرماندهان دوران جنگ نیز در مقاله‌ای که در روزنامه اعتماد ملی (۳/ ۳- ۱۳۸۶) به چاپ رسید، پاسخ به پرسش علت ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر را از دیدگاه نظامی - علمی به بحث گذاشته است و تأکید می کند که "تقویت قدرت بازدارندگی" ایجاب می کرد که ایران به جنگ پس از فتح خرمشهر ادامه دهد. در بخشی از تحلیل ایشان آمده است: "کشوری که دشمنان بالقوه زیادی دارد، باید در یک جنگ آن چنان عمل کند که به صورت ضمنی بازدارندگی را در قالب عبرت دیگران به دنبال داشته باشد. پس از فتح خرمشهر جنگ باید براساس این دیدگاه ادامه می یافت... جنگ حتی اگر به پیروزی نظامی بزرگی منجر نمی شد، از آن جهت که نشان دهنده تمایل و اراده ملت برای ادامه بقاء و حیات سیاسی مستقل بود، دارای ارزش عقلانی و برخوردار از ویژگی منطقی بودن است."

#### ۵- درس‌های فتح خرمشهر

همان طور که گفته شد، بزرگترین درس فتح خرمشهر به زعم تمامی مسئولین و کارشناسان "اتحاد و همدلی" بود که در این مقطع تاریخ جنگ اتفاق افتاد و باعث از بین رفتن شکاف ساختاری در نیروهای نظامی کشور (ارتش و سپاه) گردید. اما به نظر می رسد، مسئولین کشور از تحولات پس از این حادثه

چندان راضی به نظر نمی‌رسند محسن رضایی در این خصوص می‌گوید: "یکی از ویژگی‌های فتح خرمشهر این بود که این حادثه تنها در نتیجه اتحاد و انسجام کامل ارتش و سپاه به عنوان دو سازمان اصلی رزم کشور به وجود آمد."

در عین حال، رضایی بر این امر صحه می‌گذارد که این اتحاد و انسجام پس از فتح خرمشهر کم‌رنگ می‌شود: "از آزادسازی خرمشهر به این طرف، یک مقدار اختلاف نظرات کارشناسی بین سپاه و ارتش بیشتر شد." (خبرگزاری مهر - ۱۳۸۶/۳/۱)

برخی دیگر از فرماندهان تلاش دارند تا با یادآوری ویژگی مهم فتح خرمشهر، شرایط فعلی کشور را دلیل مهم توجه به آن بدانند.

علی شمخانی می‌گوید: "آزادسازی خرمشهر برای اولین بار در تاریخ کشور، نتیجه اتحاد و اعتماد به نفس ملی بود. حفظ روحیه انقلابی در زمان صلح بسیار مشکل‌تر از زمان جنگ است." (ایسنا - ۱۳۸۶/۳/۴)

علاوه بر موارد فوق، تأکید بر "گسترش فرهنگ ایثار و مقاومت" به عنوان یکی از درس‌های مهم دوران جنگ در این مقطع زمانی با توجه به تحولات سیاسی و اجتماعی کشور در ابعاد داخلی و خارجی مورد توجه قرار گرفته است. عماد افروغ نماینده مجلس شورای اسلامی و از چهره‌های فعال کشور می‌گوید: "امروز استکبار جهانی از حق مسلم ایران در دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای ممانعت می‌کند و امنیت ملی را به شیوه‌های مورد هدف قرار داده است. بیش از هر زمان دیگری نیازمند احیای گسترش فرهنگ ایثار و مقاومت هستیم." (روزنامه جام جم - ویژه‌نامه - ۱۳۸۶/۳/۳)

در مقابل دیدگاه فوق، در عرصه فرهنگ و هنر نیز نظری متفاوت را شاهد هستیم. به اعتقاد برخی فعالان این عرصه، شرایط فعلی جامعه نیازمند تعریف از جنگ نیست. این در حالی است که کارشناسان نظامی کشور، ساخت برخی فیلم‌ها در سینمای کشور را در تعارض با حفظ آمادگی روحیه دفاعی کشور می‌دانند. انتقاد از فیلم "به نام پدر" و "میم مثل مادر" در این چارچوب صورت می‌گیرد. با این وجود ابراهیم حاتمی‌کیا کارگردان "به نام پدر" در مقابل این انتقاد معتقد است: "من در به نام پدر احساس کردم با توجه به شرایط جامعه باید این تعریف در بیاید و این فضا واضح شود که علاقه‌ای وجود ندارد که خدای ناکرده جنگ شود و ما در آن فضا قرار بگیریم و ما

باید به خودمان برگردیم." (بازتاب - ۱۳۸۶/۳/۵)

فارغ از دیدگاه‌های فوق، نکته‌ای که مورد اهتمام بسیاری از مسئولان و کارشناسان جنگ قرار گرفته است این که بدون شک موقعیت ممتاز امروز ملت ایران و هویت ملی مشترک ایجاد شده تا حدود زیادی مرهون تحولات جنگ است. سردار حسین علایی در این خصوص می‌گوید: "در جنگ گسترده‌ای به ما تحمیل شد، اما یک وجب از خاک کشور کم نشد. از این رو، همه مردم ایران چه آنهایی که با انقلاب همراه بودند، چه کسانی که با انقلاب رابطه‌ای نداشتند، آن روز را بسیار بزرگ می‌دانند. سوم خرداد بازسازی هویت ملی ایران است." (ایلنا - ۱۳۸۶/۲/۳۱)

عماد افروغ نیز می‌گوید: "حماسه سوم خرداد، جزئی از خاطرات تاریخی ملت ایران به شمار می‌رود، چرا که توانسته بودند با مقاومتی که ریشه در گفتمان ایرانی - اسلامی آنها داشت، بر دشمن غلبه کنند. مقاومتی که مختص به منطقه جغرافیایی نبود و به تمام مردم شریف ایران تعلق داشت... برنامه‌ریزی اقتصادی و سیاسی کشور باید به گونه‌ای الهام گرفته از این خاطره و حافظه خوش تاریخی باشد، چراکه این حماسه مرتبط با هویت ملی مردم ایران است و می‌تواند اساس فرهنگ‌سازی‌هایی در این رابطه قرار گیرد." (خبرگزاری مهر - ۱۳۸۶/۳/۳)

#### ۶- بازخوانی ناگفته‌های جنگ

"ناگفته‌های جنگ" اصطلاحاتی است که در بسیاری از اظهارات و نوشته‌ها در مورد جنگ به کار گرفته می‌شود. وقتی این عنوان استفاده می‌شود، منظور این است که پنجره جدیدی در مورد یکی از حوادث و مسایل جنگ (به عنوان واقعیت) باز خواهد شد و غنای بیشتری به زمینه‌های بحث و چالش فکری در این حوزه داده می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود تا این موضوع بیشتر از سوی فرماندهان نظامی و مسئولین سیاسی کشور در دوران جنگ و همچنین نهادها و مراجع مسئول در جنگ بازخوانی شود.

اما پرسش اساسی که در این زمینه مطرح می‌شود اینکه به راستی چرا باید پس از گذشت ۲۵ سال از فتح خرمشهر و ۱۹ سال از پایان جنگ، مطالب آن ناگفته مانده باشد؟ چنانکه محسن رضایی می‌گوید: "بسیاری از مطالب جنگ ناگفته مانده است و در آینده‌ای نزدیک "جعبه سیاه جنگ" را بازخوانی خواهیم کرد." (بازتاب - ۱۳۸۶/۳/۳)

بررسی نظریات و دیدگاه‌های مطرح شده در این خصوص بیانگر آن است که دلیل عمده وجود ناگفته‌ها در مورد جنگ را باید در برخی ملاحظات سیاسی و امنیتی و به شکل ویژه سختی انتقال وضعیت و شرایط جنگ به نسل جدید جستجو کرد. یکی از فرماندهان ارتش در دوران جنگ می‌گوید: "هر جنگی یک سری ناگفته‌ها دارد که هنوز باب این ناگفته‌ها در مورد دفاع مقدس باز نشده است." (روزنامه ایران - ۳/۱۳۸۶/۳)

به رغم عدم بیان برخی واقعیت‌های جنگ، نگرانی‌هایی نیز در مورد انحراف از این واقعیت‌ها وجود دارد. سردار علی فضلی معتقد است: "گروهی به دنبال ایجاد تردید در بین مردم در دفاع از ارزش‌هایشان هستند و ارزش‌های انقلاب و دفاع مقدس را زیر سؤال می‌برند و متأسفانه بیشتر سراغ جوانان انقلاب و کسانی می‌روند که به دلیل شرایط سنی، حیات پرپرکت امام (ره) را زیاد به چشم مشاهده نکرده‌اند." (روزنامه جام جم - ویژه‌نامه - ۳/۱۳۸۶/۳)

محمدعلی گودینی از نویسندگان عرصه فرهنگ و ادبیات نیز معتقد است: "نه تنها هیچ نویسنده‌ای نتوانسته دین خودش را به خرمشهر ادا کند، که بسیاری از ارگان‌ها و دست‌اندرکاران ادبیات پایداری هم در این زمینه ناکام بوده‌اند. به سخنی دیگر، نارسایی‌های ادبیات بیشتر موجب شده که مردم به خصوص نسل سومی‌ها نیازهای روحی خودشان را در قالب کاروان‌های راهیان نور با اعزام به مناطق جنگی به خصوص خرمشهر برآورده سازند. این کمبود قطعاً سال‌های سال مشهود خواهد بود."

#### ۷- جنگ پدیده ملی است

اگرچه پرداختن به جنگ ایران و عراق از منظر هنر و ادبیات در قالب‌های فیلم، عکس، تئاتر، شعر، موسیقی، داستان و ... صورت گرفته و می‌گیرد، لیکن هنوز در سالروز فتح خرمشهر که فرصتی به دست می‌دهد تا اندیشمندان این حوزه‌ها حتی برای چند ساعت، ذهن و فکر خود را مشغول این مقوله نمایند، بیشتر با رویکرد انتقادی قلم‌فرسایی می‌نمایند. برخورد تبلیغاتی صرف، نگاه ابزاری، سایه سنگین ایدئولوژیک، دولتی دانستن جنگ و اعمال نظر برخی دستگاه‌های نظامی، فقدان شفافیت در طرح مسایل و بالاخره انحصار طلبی برخی گروه‌ها از جمله محورهای مهم این رویکرد انتقادی است.

محسن رضایی در این خصوص می‌گوید: "جنگ متعلق به گروه خاص نیست. پس همه ملت ایران می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند." به نظر می‌رسد، از دیدگاه ایشان، عمده‌ترین عامل عدم موفقیت در انتقال تجربیات جنگ به نسل جدید، انحصارطلبی برخی گروه‌ها در این زمینه است.

عبدالجبار کاکایی نیز چنین می‌نویسد: "اعتقاد دارم همان‌طور که جنگ مظلومانه آغاز شد، ادامه پیدا کرد و به اتمام رسید. جنگ زمانی آغاز شد که سال‌های سهم‌خواهی از قدرت بود و نگاهی که جنگ را پدیده دولتی و غیرملی می‌دانست، شکل گرفت و هنوز جامعه روشنفکری ما پدیده معصوم جنگ را دولتی می‌داند. در آن دوران، نخبگان و سالاران قلم در دو حوزه داستان و شعر، اغلب سکوت کردند و دست به قلم برده‌های جنگ، همان‌هایی بودند که جنگ را با گوشت و پوست لمس کردند. در واقع جنگ خودش، خودش را اداره کرد و ادبیات خود را ساخت. اما بعد از جنگ، جنگ قربانی شد و صورت وسیله‌ای یافت برای توجیه بسیار از انحرافات. در شرایط فعلی نیز از سوی نهادهای دولتی و شبه دولتی افزوده شدن پسوند "مقدس" بر دفاع، شرایطی را ایجاد کرده که این حوزه کمتر مورد تحلیل قرار گیرد و بخشی از تراوشات صلح طلبانه شاعران این عرصه با این بهانه که جنگ تضعیف می‌شود و تحت الشعاع قرار می‌گیرد، گاه از سوی مراجع فرهنگی نفی می‌شود و بدین ترتیب بخشی از ناگفته‌های جنگ همچنان در سایه مانده است. متأسفانه ناهلان، هفتاد درصد مالکیت موضوعات جنگ را پس از جنگ به عهده گرفتند و نهادهای متولی این مسأله به جای اینکه جنگ را موضوع ملی و قابل تحلیل بدانند، به یک برنامه روزمره دولتی تبدیل کردند و کمتر مجال دادند تا دیگران به تحلیل ماجراهای جنگ بپردازند."

جان کلام انقاد فوق این است که جنگ مانند بسیاری از پدیده‌های سیاسی - اجتماعی یک پدیده ملی است. بنابراین یک عنصر سیاسی نیست و نباید به عنوان یک ابزار به آن نگاه کرد.

#### ۸- بازسازی خرمشهر

سفر رهبر معظم انقلاب به استان خوزستان در نوروز ۱۳۸۵ و گلایه از عملکرد مسئولان در زمینه توجه به مسایل اجتماعی و اقتصادی این منطقه، باعث تقویت این نگاه شده است.

موضوع "بازسازی خرمشهر" در چهارچوب ابعاد اقتصادی جنگ مورد توجه قرار می‌گیرد. این در حالی است که در خصوص جنگ و اقتصاد، محورهای ذیل تاکنون مورد توجه مسئولین و کارشناسان بوده است:

الف - جنگ باعث پیدایش روحیه خودباوری و خوداتکایی ملی شد و از این جهت مثبت بوده است.

ب - خسارات جبران ناپذیر جنگ باعث تحمیل هزینه‌های زیادی بر کرده اقتصاد ایران شد که هنوز از آن رهایی نیافته است. در عین حال، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی جنگ تا حدود بسیاری زیادی در کاهش روحیه دفاع ملی موثر است.

ج - پیدایش نگاه اقتصاد دولتی در دران جنگ، هویدای اجباری بود که هنوز دولت نتوانسته است خود را از آن رها سازد.

د - عدم پیشرفت در بازسازی مناطق جنگی می‌تواند در افزایش انتقادات اجتماعی موثر باشد.

بدون شک موضوع بازسازی خرمشهر تا حدود بسیاری تحت تأثیر مسایل فوق قرار دارد و به همین دلیل کارشناسان پیش بینی می‌کنند کار بازسازی در خرمشهر کماکان با کندی مواجه باشد.

نماینده مردم خرمشهر در مجلس شورای اسلامی می‌گوید: "دولت بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵ رسماً فعالیتی تحت عنوان بازسازی مناطق جنگ‌زده با تشکیل ستادهای بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده داشت. متأسفانه بین سال‌های مذکور حرکت غیرقابل قبول بود و علیرغم اینکه بسیاری از کارها به مراحل نهایی نرسیده و مورد بهره‌برداری قرار نگرفته بود، دولت خاتمه کار بازسازی در کلیه مناطق جنگ‌زده را اعلام کرد که در آن زمان این حرکت مورد اعتراض مسئولین محلی قرار گرفت." (ایسنا-۱۳۸۶/۲/۳۱)

#### ۹- نتیجه گیری

بررسی و کنکاش در اظهارات، سخنرانی‌ها، مقالات، گزارش‌ها و سایر انواع مکتوبات رسانه‌های کشور، هم‌زمان با گرامیداشت سالروز فتح خرمشهر تا حدود بسیار زیادی می‌تواند در تعیین جایگاه و مشروعیت این پرسش اساسی موثر باشد که پس از گذشت ربع قرن از آزادسازی خرمشهر و با توجه به اینکه همه ساله در سالروز این حادثه بزرگ مسایل مربوط به جنگ ایران و عراق از ابعاد مختلف آن مورد بررسی قرار می‌گیرد، هنوز این نگرانی مورد اجماع مسئولان و

کارشناسان می‌باشد که چرا رویکرد صحیحی به دوران جنگ وجود ندارد؟ آیا عدم این رویکرد صحیح موجب شده است تا هرگونه امکان برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری از تجربیات این دوران سلب شود؟

طرح پرسش مذکور موجب شده است تا کنکاش در "گفتمان رسانه‌ای جنگ" از حساسیت بالایی برخوردار شود، در عین حال به نظر می‌رسد امروزه تحت تأثیر شرایط و وضعیت محیط امنیتی کشور (داخلی و خارجی) و تصاعد چالش‌های امنیتی، بیش از هر زمان دیگر نیازمند اتخاذ رویکرد صحیح به جنگ هستیم.

آنچه که بر اهمیت موضوع فوق می‌افزاید این است که طرح مسایل جنگ تحت شرایط سیاسی و اجتماعی کشور اجتناب ناپذیر گشته و همان‌طور که محسن رضایی می‌گوید: "با اینکه الآن ۲۵ سال از آزادسازی خرمشهر گذشته، ولی مردم ما به دنبال یافته‌های جدیدی هستند. پس معلوم است که جنگ جایگاه جدیدی دارد که باید یک اقدام و یک بسیج ملی در این باره آغاز شود." "امیر بختیاری" نیز در مورد اهمیت جنگ تحمیلی و تأثیر آن بر مسایل امروز کشور معتقد است:

"هنوز جنگ ایران و عراق به تاریخ نپیوسته است چرا که آثار و تبعات جنگ هنوز بر شئون اقتصادی، نظامی، سیاسی، اجتماعی، روانی و فرهنگی کشور وجود دارد و اگر امروز نیز ایران در صحنه بین‌المللی تحت فشارهایی است، به نوعی با این جنگ و آثار و شرایط آن ارتباط پیدا می‌کند."

اجتناب ناپذیر بودن تعامل مسایل جنگ ایران و عراق با شرایط سیاسی اجتماعی کشور موجب شده است تا پرسش دیگری واجد اهمیت شود مبنی بر اینکه آیا در مورد فتح خرمشهر و وقایع دیگر جنگ، به صورت صحیح به افکار عمومی کشور اطلاع‌رسانی شده است؟ به تعبیر محسن رضایی "آیا اطلاع جدیدی از جعبه سیاه جنگ" به مردم داده می‌شود؟

در مورد اهمیت طرح پرسش فوق این موضوع مورد اجماع است که بیان واقعیت‌های جنگ تا حدود بسیار زیادی می‌تواند به رفع شبهات، ابهامات و پرسش‌های جنگ، کمک کند. عدم صراحت و شفافیت در طرح مسایل جنگ موجب شده است تا این ابهامات و پرسش‌ها برای نسل فعلی و آینده شکل گیرد.